خاطرات مرحوم حجت‌الاسلام شجونی ۱

شروع فعالیت‌های سیاسی مرحوم شجونی

فعالیت‌های سیاسی

وقتی که به قم رفتم، حدوداً دو یا سه سال بود که آیت‌الله بروجردی به قم تشریف آورده بودند. در آن زمان، مرحوم آیت‌الله بهجت، مرحوم آیت‌الله محمد حجت کوه کمری، مرحوم آیت‌الله شیخ محمد فیض قمی، آیت‌الله صدر- پدر بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقاموسی صدر و آقا رضا صدر- و مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد تقی خوانساری از علما، مراجع و مدرسین آنجا بودند.

وعاظ شهیر آنجا نیز مرحوم اشراقی،پدر آقا شهاب‌الدین اشراقی، داماد حضرت امام -رضوان‌الله تعالی علیه-، مرحوم حاج انصاری قمی و آقای سید مرتضی برقعی بودند. از طریق سخنرانی‌های این بزرگواران با جو مملکت آشنا می‌شدم، ولی چون در این زمان مشغول تحصیل بودم، مسائل سیاسی را کمتر متوجه می‌شدم. البته، بعدها کم‌کم مرحوم نواب به قم می‌آمد و من نیز در تهران به خدمتشان می‌رسیدم و رفته رفته با مسائل سیاسی آشنا می‌شدم.

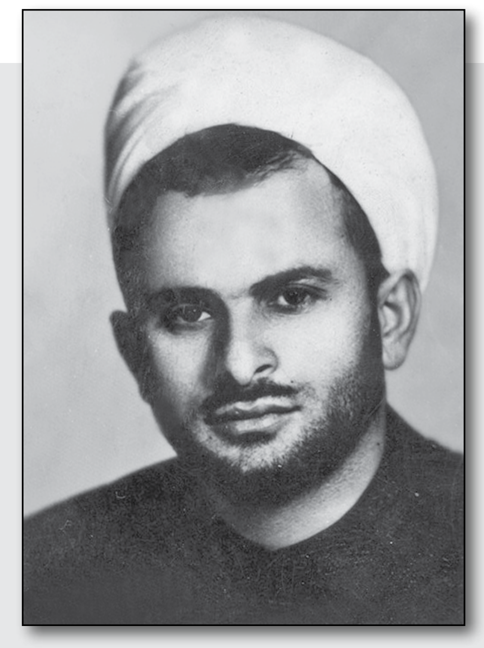

*** از طریق سخنرانی‌ها با جو مملکت آشنا می‌شدم، ولی چون در این زمان مشغول تحصیل بودم، مسائل سیاسی را کمتر متوجه می‌شدم. البته، بعدها کم‌کم مرحوم نواب به قم می‌آمد و من نیز در تهران به خدمتشان می‌رسیدم و رفته رفته با مسائل سیاسی آشنا می‌شدم.**

مرحوم اشراقی روی منبر مدرسه فیضیه، به دارالشورا حمله می‌کرد و گاهی هم داستان‌هایی نقل می‌کرد. به مجلس شورای ملی زمان شاه حمله می‌کرد و بعد می‌گفت این کله گنده‌ها راه نمی‌روند. گاهی هم مثل‌های جالبی می‌زد. مثلاً می‌گفت: «این دسته پایینی‌ها و عقب افتاده‌ها، شلاق می‌خورند، کتک می‌خورند. آن گردن کلفت‌ها باید راه بروند و آنها راه نمی‌روند». یک داستانی هم می‌گفت که خیلی جالب بود و همه می‌خندیدند. مرحوم آقاشیخ محمد تقی اشراقی- که واعظ شهیری در قم بود- فرزند مرحوم حاجی آقا شیخ محمد ارباب و پدر آقای شهاب اشراقی بود. ایشان در مدرسه فیضیه به منبر رفت و گفت که در زمان مرحوم آقا شیخ عبدالکریم به من پیغام دادند که باید ساعت شش بعد از ظهر در مدرسه فیضیه منبر بروید. من قول دادم ولی بعد فکر می‌کردم که خدایا این چه منبری است؟ جشن میلاد است؟ فاتحه است؟ چه تناسبی دارد؟ مثلاً می‌گفت از محله چهارمردان همین طور راه افتادم، آمدم گذر قاضی و الوندیه و گذر عشقعلی و گذر خان، هر چه فکر می‌کردم که آخر باید روی منبر چه بگویم، یادم نیامد. فقط منظره‌ای دیدم که سوژه‌ای برای منبر من شد. می‌گفت یک نفر خرکچی بود با بیست تا سی عدد از این الاغ‌ها؛ بر پالان آنها گونی‌های بزرگی بود و توی آن گونی‌ها خاک و کود ریخته بود و حمل می‌کرد. در آن زمان، حمل و نقل با حیوانات بود و به آن صورت ماشین و این طور چیزها نبود. می‌گفت که اینها را می‌راند و می‌زد. کوچه‌های قم هم تنگ بود. بعد می‌گفت که آن الاغ درشت‌ها، جلو بودند و سلانه سلانه راه می‌رفتند و یااصلاً راه نمی‌رفتند.

ولی الاغ نازک‌ها، باریک‌ها، لاغرها، کوچولوها، این عقب عقب بودند که همیشه کتک می‌خوردند. این (خرکچی) هم محکم آنها را می‌زد و فحش می‌داد. اینها می‌دویدند و می‌رفتند جلو ولی آن هفت هشت تایی که بغل هم، سلانه سلانه راه می‌رفتند، تحرکی نداشتند و این عقبی‌ها کتک می‌خوردند و لابه‌لای آنها می‌ماندند. دوباره، باز هم عقبی‌ها کتک می‌خوردند. می‌گفت این برای منبر من سوژه شد که توی این مملکت کله گنده‌ها یا اصلاً راه نمی‌روند یا سلانه سلانه می‌روند و کتک را عقب افتاده‌ها می‌خورند. بعد هم می‌گفت آن زمان من این را روی منبر گفتم و الان هم دارم می‌گویم: این دارالشورایی‌ها و مجلس شورای ملی‌ها راه نمی‌روند. آفتابه‌دزدها را گرفته‌اند و شتر دزدها را آزادند.

البته همه از این سخن‌ها خوششان می‌آمد. آقای اشراقی کنایه می‌زد و استقبال هم می‌شد، اما این استقبال‌ها، استقبال‌های عمومی، همگانی، وسیع و همه‌جانبه نبود. بعداً کم‌کم مسئله ملی شدن صنعت نفت و این مسائل مطرح شد. ایشان در میدان آستانه سخنرانی می‌کرد و طلاب هم استقبال می‌کردند.

به هر حال، نگاه مردم به مرجع بود. هرحرکتی که مرجع داشت، مردم می‌گفتند این حرکت درست است. در عین حال، از حرکات سیاسی خوششان می‌آمد اما به حرف‌های مرجع توجه داشتند. مثلاً مرحوم آیت‌الله صدر و مرحوم آیت‌الله خوانساری از حرکات افرادی مثل مرحوم نواب صفوی خوششان می‌آمد. از امام خمینی نیز خوششان می‌آمد. ایشان در آن زمان در مقابل بیت آیت‌الله بروجردی سکوت می‌کردند، اما در قم معروف بود که امام با مرحوم اشراقی از بیت آیت‌الله بروجردی، به خاطر بعضی حرکات اطرافیان ایشان قهر کرده‌اند و دیگر به آنجا نمی‌روند.

یک‌بار، خود بنده را در سال ۱۳۳۴، در همین حظیرةالقدس بهائی‌ها در تهران- که الآن حوزه هنری است- شلاق می‌زدند و لبه تیز سخنشان این بود که مرجع تقلید این مملکت ساکت است. آیت‌الله بروجردی چیزی نمی‌گوید، بعد شما فلان فلان شده‌ها به دنبال نواب صفوی می‌روید. شماها چه می‌گویید. من در قم، علیه حزب توده میتینگ می‌دادم و شلوغ می‌کردم. نسبت به جنازه رضاخان هم تعرض کردم. کم و بیش شب‌های شنبه نیز در جلسات فدائیان اسلام شرکت می‌کردم. در همین زمان، از بیت آقای بروجردی می‌آمدند تا مرا از مدرسه بیرون کنند و حجره را از من بگیرند. گاهی اوقات تقدسی می‌کردم و چون آقای بروجردی راضی نبود، داخل حجره می‌خوابیدیم ولی نمازم را بیرون می‌خواندم. می‌گفتم ایشان راضی نیست.

نیمهٔ‌پنهان ۳۱۵۳ (۴۶)

دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان

ادوارد براون؛ جاسوس MI6 در پوشش «شرق‌شناس»

رقابت انگلستان و روسیه برای بهره برداری از بهاییان

به هر جهت، بابیان با کمک میرزاآقاخان نوری دوباره در ایران جان تازه‌ای پیدا کردند. میرزا آقاخان طی نامه‌ای از میرزا حسینعلی نوری که پس از اعدام سید علی محمد به عراق تبعید شده بود، خواست تا به ایران برگردد، برخی از مورخان علت چنین دعوتی را خویشاوندی این دو ذکر کرده‌اند اما به هیچوجه نباید از سیاست انگلستان در قبال بابیان غافل شد. امکان نداشت انگلیسی‌ها که در همان زمان مسئله وهابیت را در میان اهل سنت عربستان با آن شدت و حدّت دنبال می‌کردند، از ادامه جریانی انحرافی مشابه در میان شیعیان غافل بوده باشند. نامه میرزا آقاخان ـ انگلیسی ـ به حسینعلی نوری در شرایطی نوشته شد که بابیان یا کشته یا با اندک طرفداران خود به عراق فرار یا تبعید شده بودند. آن هم در شرایطی که مردم به واهی بودن ادعای سید علی محمد پی برده و امکان نداشت که بار دیگر حادثه‌ای چون قلعه طبرسی را به وجود بیاورند. در این شرایط انگلیسی‌ها از زیرک‌ترین و سرسپرده‌ترین نیروی خود استفاده کردند.

در وابستگی میرزا آقاخان همین بس که او با سرهنگ جاستین شیل قراردادهایی را به ضرر ایران امضا کرد که باعث شد برخی از مورخان نام «سلطان الخائنین» را در تاریخ برای وی محفوظ بدانند.

با دعوت میرزا آقاخان یا به عبارتی صدراعظم، حسینعلی بهأ وارد تهران شد و جعفر قلی‌خان برادر صدراعظم از او استقبال و مدت یک ماه او را در خانه خود مهمان کرد. سپس به مناسبت گرمای تابستان میرزا حسینعلی به افجه رفت و در آن جا مستقر شد. در همین روزها بود که او با شیخ علی عظیم(1) ملاقات کرد و توطئه قتل ناصرالدین شاه را به اتفاق کشیدند. البته نویسندگان بهایی سعی دارند حسینعلی نوری را از توطئه بر ضد شاه و دولت بر کنار نشان دهند و در این باره می‌نویسند که او به عظیم نصیحت کرده و از اعمال شدید بر حذر داشته است. در هر حال سوء قصد به جان ناصرالدین شاه ناکام ماند و شاه دستور حبس و دستگیری سران بابیه را داد.

در همین زمان نامه‌ای از جعفر قلی خان به میرزا حسینعلی رسید که مادر شاه در میان مردم تو را رئیس این طایفه معرفی کرده و حتی صدراعظم را متهم کرده که تو را در این جریان کمک کرده است. به همین جهت باید رو نشان ندهی و مخفی باشی.

میرزا حسینعلی که از خشم شاه بر خود و میرزا آقاخان ترسیده بود، به ناچار خود را به زرگنده مقر تابستانی سفارت روس رساند و در منزل میرزا مجید، منشی پرنس دالگورکی که به منزل سفیر وصل بود، پناهنده شد.(2)

مأموران دستگیری و حبس بابیان، این مطلب را به شاه خبر دادند. شاه که از جسارت و گستاخی بابیان به شدت خشمگین بود، پیکی فرستاد و او را از سفارت مطالبه کرد. سفیر روسیه از تسلیم وی خودداری کرد و به میرزا حسینعلی گفت که بهتر است به منزل صدراعظم بروی و نامه‌ای هم در توصیه وی در این که وی امانت سفارت است، نوشت. و از صدراعظم به‌طور صریح و رسمی خواست که:

باید از طرف من حضرت بهأالله را پذیرایی کنی و در حفظ این امانت‌بسیار کوشش نمایی و اگر آسیبی به بهأالله برسد... شخص تو مسئول [پاسخگوی] سفارت روس خواهد بود.

*** نامهٔ سفیر روسیه به صدراعظم ایران: باید از طرف من حضرت بهأالله را پذیرایی کنی و در حفظ این امانت‌بسیار کوشش نمایی و اگر آسیبی به بهأالله برسد... شخص تو مسئول [پاسخگوی] سفارت روس خواهد بود.**

اما میرزا آقاخان به خاطر ترس شدید از شاه نتوانست از میرزا حسینعلی حمایت کند و او در میان راه به چنگ مأموران دولتی افتاد و روانه زندان شد تا با پادرمیانی سفیر روسیه بهأ از زندان ناصرالدین شاه آزاد و به عراق تبعید شد. نبیل زرندی مورخ مشهور بهائیت در این‌باره می‌نویسد:

«حکومت ایران بعد از مشورت به حضرت بهأالله امر کرد که تا یک ماه دیگر ایران را ترک نمایند و به بغداد سفر کنند. قنسول روس چون این خبر را شنید از حضرت بهأالله تقاضا کرد به روسیه بروند، دولت روس از آن حضرت پذیرایی خواهد نمود. حضرت بهأالله قبول نفرمودند و توجه به عراق را ترجیح دادند، در روز اول ماه ربیع‌الثانی ۱۲۶۹ هجری به بغداد عزیمت فرمودند.»

میرزا حسینعلی نوری

به مناسبت گرمای تابستان میرزا حسینعلی بهاء به افجه رفت و در آنجا مستقر شد. در همین روزها بود که او با شیخ علی عظیم ملاقات کرد و توطئه قتل ناصرالدین شاه را به اتفاق کشیدند.

چرا دولت روسیه تزاری که خود آن همه فجایع در شمال ایران مرتکب می‌شد، برای نجات جان بهأ تا این حد از خود مایه می‌گذاشت؟

چرا بهأ از پیشنهاد روسیه گذشت و ترجیح داد که به عراق تبعید شود؟

درباره امتناع بهأ از رفتن به روسیه می‌توان این‌گونه گفت که در شرایط استعماری آن دوران که مردم به واسطه قراردادهای ننگین و غارت منابع و ثروت کشور، به شدت از دو دولت روسیه و انگلستان متنفر بودند، رفتن خود سران فرقه به هر کدام از این کشورها می‌توانست تیشه به ریشه آن‌ها زده و طرفداران آن‌ها را در عمل نسبت به ماهیت این فرقه بدبین کند. ضمن این که بهانه خوبی به دست مخالفان آن‌ها می‌داد تا باقیمانده بابیان را نیز قلع و قمع کنند. به‌علاوه در این زمان، مناسب‌ترین مکان برای سران بابیه، عراق بود که به پناهگاه بابیان فراری تبدیل شده بود و زمینه بیشتری برای طرح ادعاهای مبنی بر عناوین مذهبی داشت؛ چرا که یکی دیگر از مراکز مهم تشیع نیز محسوب می‌شد.

بنابراین بهأ به عراق تبعید شد. انگلیسی‌ها که در ابتدا گمان می‌کردند، یحیی صبح ازل به‌عنوان جانشین سید علی محمد در صدر کار بابیان قرار خواهد گرفت، کلنل سرآرنولد باروز کمبل، کنسول دولتشان در بغداد را مامور کردند تا باب مراوده و مکاتبه با بهأ را که رابط بابیان با ازل بود، باز کند. کمبل طی نامه‌ای دوستانه به صبح ازل پیشنهاد داد که:

«تابعیت دولت انگلیس را قبول و تحت «حمایت» آن دولت درآید و حضوری نیز متعهد شد که هرگاه مایل به ارسال پیامی به ملکه ویکتوریا باشد، در مخابره آن به دربار اقدام خواهد کرد.»

میرزا یحیی دولت آبادی، نیز در کتاب «حیات یحیی» ضمن اشاره به رقابت روس و انگلیس در ایران عصر قاجار به پیوند بهاییان با سیاست‌های بیگانه از تلاش بریتانیا برای ربودن این گروه از چنگ روس‌های تزاری در این دوران سخن می‌گوید.

در همین دوران است که به نام افرادی چون مانکجی هاتریا، میرزا ملکم‌خان ارمنی، ادوارد براون، ژنرال چارلز جرج گوردون، سر اردشیر ریپورتر و... بر می‌خوریم.

***میرزا یحیی دولت آبادی، نیز در کتاب «حیات یحیی» ضمن اشاره به رقابت روس و انگلیس در ایران عصر قاجار به پیوند بهاییان با سیاست‌های بیگانه از تلاش بریتانیا برای ربودن این گروه از چنگ روس‌های تزاری در این دوران سخن می‌گوید.**

در بغداد روش بهأ با شدت بیشتری دنبال شد و کم‌کم کار به جایی رسید که او مطالب و سخنانی را در باب «من یظهره اللهی» به برخی از بابیان می‌گفت. زمانی که زمزمه «من یظهره‌اللهی» او به گوش صبح ازل رسید، بهأ را توبیخ و تهدید کرد و دستور داد تا ادعاها و افکارش را ترک کند اما بهأ به نصیحت و تهدید صبح ازل توجهی نکرد و بعد از اختلاف و نزاعی که با او پیدا کرد، به طور پنهانی و بی‌خبر از بغداد خارج شد و به کوه‌های سلیمانیه نزدیک موصل نزد درویش‌های نقشبندیه و قادریه رفت. او برای دو سال تمام در آن اطراف با لباس مخصوص و کشکول درویشی به نام دروغین درویش محمد میان مردم و درویش‌ها رفت و آمد می‌کرد و در این مدت به مطالعه و عملیات کیمیاگری پرداخت.

۱- برخی از مورخان شیخ علی عظیم را کسی می‌دانند که سید محمد شیرازی برای جانشینی خود انتخاب کرده بود.

۲- بابیان و بهاییان همیشه متهم به جاسوسی برای دولت انگلستان بوده‌اند، هیچ بعید نیست که رفتن بهأ به سفارت روسیه حتی به سفارش خود انگلیسی‌ها باشد، چنان که پس از کوچ تعدادی از بهاییان به روسیه آن‌ها مشرق الاذکاری را در عشق‌آباد ساختند که با روی کار آمدن بلشویک‌ها مشخص شد، این مرکز محل اجتماع و عملیات بهایی‌ها برای انجام اعمال جاسوسی به نفع انگلیسی‌ها در درون خاک شوروی بوده است. به نوشته خان ملک ساسانی سفیر ایران در پایتخت عثمانی، انقلابی‌ها پس از جنگ جهانی اول: «قریب یکصد نفر از وجوه بهایی‌های آن جا را به همین دلیل معدوم ساختند. همچنین جاسوسانی که در جنگ بین‌المللی اول عرب‌ها را در سوریه و حجاز و نجد و شرق اردن برای جدا شدن از عثمانی‌ها و به دست آوردن استقلال تبلیغ می‌کردند، همه از بهایی‌ها [بوده] و به دستور انگلیسی‌ها این تبلیغات را انجام می‌دادند. از جمله یکی حسین روحی بود که پدرش اهل آذربایجان و گویا در مصر متولد شده بود و در سفارت انگلیس مقیم قاهره منشی بود و در جنگ بین الملل اول پول‌هایی که بایستی میان عرب‌ها تقسیم کند او می‌برد و می‌رساند و بعد هم مطابق آخرین اطلاعی که به من رسید در فلسطین وزیر فرهنگ شده بود. و نیز برادران افنان که خود را از خویشاوندان میرزا علی محمد باب می‌دانستند، در وقت تشکیل دولت عراق دست اندر کار کلیه امور عراق بودند.

دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، صص ۱۰۲ ـ ۱۰۳.

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

دعوتنامه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت تعاونی شفا پرتو (نوبت اول) (اردبیل - شماره ثبت ٤٣٩٤) مورخه ۹۵/۹/۱۳

اعضاء محترم شرکت تعاونی شفا پرتو به استحضار می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت تعاونی شفا پرتو (نوبت اول) (اردبیل - شماره ثبت ۴۳۹۴) راس ساعت ۱۸ روز شنبه مورخه ۹۵/۹/۱۳ در محل دفتر شرکت برگزار می‌شود.

دستور جلسه: ۱- بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد افزایش سرمایه ۲- بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد آئین‌نامه داخلی و استخدامی و چارت سازمانی

هیئت مدیره شرکت تعاونی شفاپرتو

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۱۰۱ مورد وثیقه موضوع اجراییه کلاسه ۹۲۰۰۰۱۲

بدین وسیله به شرکت نورد و لوله کیمیای آریان (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۶۰۴۸۹ که به آدرس تهران خیابان شهید بهشتی خ سرافراز کوچه یکم پلاک ۱۱ طبقه سوم به عنوان متعهد و وام گیرنده و بدهکار پرونده اجرایی ۹۲۰۰۰۱۲ شناخته نشده است ابلاغ می‌شود طبق گزارش ارزیابی مجدد مورخ ۹۵/۴/۱۳ کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ خانه به پلاک ثبتی ۸ فرعی از ۸۴۵۲ اصلی بخش ۳۴ یزد واقع در مهریز خیابان سیدمصطفی خمینی کوچه شقایق شماره پلاک آب ۳۳۷۳ (ملکی محمدتقی تقی‌زاده مروست به عنوان راهن پرونده فوق) به مبلغ ۱/۲۹۳/۸۰۰/۰۰۰ (یک میلیارد و دویست و نود و سه میلیون و هشتصدهزار) ریال ارزیابی گردیده، مراتب جهت اطلاع اعلام و ارزیابی قطعی گردیده و ملک فوق از مبلغ ارزیابی شده از طریق مزایده به فروش خواهد رسید. تاریخ انتشار: ۹۵/۸/۲۹

رئیس ثبت اسناد و املاک مهریز - علیرضا دهقان منشادی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۲۵۱۶ مورخه ۱۳۶۵/۵/۱۳ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه ۲ قزوین در خصوص پرونده کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۶۷۸ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسنعلی قهرمانی آقچه قیائی فرزند رمضان بشماره شناسنامه ۲ صادره از تاکستان در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷۹/۵۹ متر مربع پلاک فرعی از اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵ اصلی واقع در بخش ۵ قزوین خریداری از مالک رسمی آقای ابوالقاسم آغاسی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۵/۸/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۹/۱۵

علی شهسواری- رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ قزوین

۱۰۳۲/م‌الف

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۲۶۵۵۷۰۱۴۲۰ شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری دو شهرستان کرج (۱۱۳ جزایی سابق) تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۶۱۵۳۰۰۷۲۳

شاکی: آقای امیرحمزه کرمی فرزند احمد با وکالت آقای محمد گلعذار فرزند فریدون به نشانی میدان ونک- نبش خ رستگاران- پلاک ۲۶ واحد ۲

متهمین: ۱- آقای مختار دودانگه فرزند ذبیحاله به نشانی منظریه خ شهید داود عباسی غرب پ ۲۷

۲- آقای اسداله دودانگه به نشانی منظریه خ شهید داوود عباسی غربی پ ۲۷

اتهام: جعل

رأی دادگاه

در خصوص اتهام متهمین آقایان مختار دودانگه فرزند ذبیح‌اله متواری و مجهول‌المکان ۲- اسداله دودانگه فرزند ذبیح‌اله آزاد و متواری و مجهول‌المکان را به اتهام جعل قولنامه مورخ ۶۸/۱۲/۲۸ با عنایت به مجموع محتویات و تحقیقات انجام شده شرح شکایت شاکی آقای امیرحمزه کرمی ادعای جعل قولنامه فوق توسط متهمین و مفاد نظریه کارشناسی واقع در شعبه ۲۳ حقوقی و مفاد دادنامه شماره ۳۲۷- ۹۴/۴/۴ شعبه ۲۳ حقوقی کرج و بایگانی شماره ۸۹۰۴۷۴ کیفرخواست صادره و متواری بودن متهمین ضمن احراز و اثبات بزهکاری به استناد ماده ۵۳۶ و ۵۲۳ و ۱۹ ق‌م ۱ به دو سال حبس تعزیری درجه ۶ محکوم و اسناد و مدارک مجعول پس از قطعیت حکم معدوم گردد. رأی صادره نسبت به متهمین غیابی و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در همین شعبه و سپس ۲۰ روز دیگر قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر استان البرز است.

اکبری ایرج- رئیس شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری دو کرج

نشانی: کرج- بالاتر از میدان طالقانی- ساختمان مرکزی دادگستری

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده

از کلیه صاحبان سهام شرکت آبا صنعت آریا سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۳۵۷۲ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۲۵۹۱۰۲ دعوت بعمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده جهت دستور کار هیئت مدیره مبنی بر افزایش سرمایه و اصلاح ماده پنج اساسنامه در روز سه‌شنبه ۹۵/۹/۹ راس ساعت ۱۴:۳۰ در محل کارخانه تشکیل می‌شود حضور بهم رسانند.

هیئت مدیره شرکت آبا صنعت آریا

آگهی مناقصه عمومی نوبت دوم

یک شرکت معتبر درنظر دارد اجرای عملیات لاینینگ تونل دسترسی به طول ۷۱۰متر، تحکیمات تونل دسترسی به طول ۸۰۰ متر و اصلاح ترانشه و تحکیمات ترانشه به طول ۱۰۰ متر را از طرق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شرکت‌ها و پیمانکاران واجد صلاحیت واگذار نماید.

لذا از متقاضیان دعوت به عمل می‌آید با در دست داشتن رزومه مرتبط و اساسنامه شرکت از روز شنبه مورخ ۹۵/۹/۱ حداکثر به مدت یک هفته (بجز روزهای تعطیل) جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس: اصفهان- کیلومتر ۵۵ اتوبان داران جاده چادگان کیلومتر ۵ جنب تصفیه‌خانه آب کاشان واحد فنی کارگاه مراجعه نمایند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های زیر تماس حاصل فرمایید.

۰۳۱-۴۲۷۵۳۷۰۲ -۰۳۱-۳۶۶۰۳۴۱۱

آگهی انحلال شرکت عمران و مسکن سازه پایدار ژئو آزما سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۲۷۷۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۳۶۳۸۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

شرکت مذکور در تاریخ فوق منحل اعلام و محسن نوبهاری به کد ملی ۰۰۵۳۰۹۹۰۱۱ به سمت مدیر تصفیه انتخاب گردید.

نشانی محل تصفیه تهران: بلوار مرزداران، جنب درب شمالی شهرک آزمایش، ساختمان حکمت، بلوک امید، طبقه ۱۰، کد پستی ۱۴۶۴۷۵۷۱۶۱ می‌باشد.

با ثبت این مستند تصمیمات انحلال انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

دادنامه

دادنامه غیرمکانیزه ۲۵۷/۹۵ تاریخ صدور ۹۵/۶/۳

خواهان: جلال افراشته/ همدان/ شهرک مدرس/ قدیر۴/ پلاک ۹/ منزل حسین افراشته

خوانده: مهرداد نوروزی/ مجهول‌المکان

خواسته: مطالبه طلب

گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده تقدیم داشته که پس از ارجاع به این حوزه و ثبت و اجرای تشریفات قانونی قاضی شورا پس از مشورت با اعضاء حوزه و اعلام ختم رسیدگی به شرح ذیل با استعانت از خداوند منان مبادرت به صدور رای می‌نماید.

رای قاضی شورا

در خصوص دادخواست آقای جلال افراشته فرزند حسین به طرفیت آقای مهرداد نوروزی فرزند محمدمهدی به خواسته مطالبه وجه به مبلغ ۱۴/۳۰۰/۰۰۰ریال و خسارت تاخیر تادیه و هزینه دادرسی بابت وجه یک فقره چک به شماره ۸۹۲۴۹۵۲۱۶۵ به تاریخ ۹۱/۴/۳۰ عهده بانک ملی ایران و هزینه‌های دادرسی و خسارت تاخیر تادیه، نظر به تقدیم دادخواست از ناحیه خواهان و ارائه رونوشت مصدق از چک و گواهینامه عدم پرداخت بانک محال علیه و با عنایت به اینکه وجود لاشه چک در ید خواهان دلیل بر اشتغال ذمه خوانده بوده و خوانده دلیل و مدرکی در جهت برائت ذمه خود به این مرجع ارائه نکرده است لذا خواسته خواهان را ثابت تشخیص داده مستندا به مواد ۱۹۸، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ با اصلاحیه‌های بعدی و نیز مواد ۲۴۹، ۳۱۰، ۳۱۳ و ۳۱۴ قانون تجارت نامبرده را به پرداخت مبلغ چهارده میلیون و سیصد هزار ریال بابت اصل خواسته و نیز پرداخت مبلغ دویست و شصت و پنج هزار ریال بابت هزینه دادرسی و خسارات تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک ۹۱/۴/۳۱ تا زمان اجرای حکم که در واحد اجرای احکام بر اساس شاخص نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی محاسبه خواهد شد در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید. رای صادره غیابی است و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این حوزه و بیست روز پس از مهلت واخواهی قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه‌های عمومی حقوقی شهرستان همدان می‌باشد.

قاضی حوزه ۱۲۲ شورای حل اختلاف همدان- روغنی

م الف۳۸۷۱

برگ سبز و سند کمپانی سواری هاچبک اموی‌ام به رنگ سفید روغنی به مدل ۱۳۹۵ و شماره موتور MVM477FJAG043762 و شماره شاسی NAT FB AMD 3G 1033075 و شماره شهربانی ۳۲۲ م ۹۷ ایران ۳۲ و مالکیت سیداحسان طبسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

دادنامه

خواهان: میثم فامیل اسدی فرزند محمدتقی - همدان انتهای چهارراه نظری اول آزاد کوچه گل مجتمع گل واحد ۴

خوانده: کامران معینی قراگوزلو - مجهول‌المکان

خواسته: استرداد و فک پلاک

گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت و اجرای تشریفات قانونی، قاضی شورا پس از مشورت با اعضاء حوزه ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل با استعانت از خداوند منان مبادرت به صدور رای می‌نماید.

«رای قاضی شورا»

درخصوص دادخواست میثم اسدی فرزند محمدتقی بطرفیت کامران معینی قراگوزلو بخواسته صدور حکم بر الزام خوانده دعوی مبنی بر استرداد و فک پلاک خودرو پراید به شماره انتظامی ۵۷۴ج۴۶ ایران۱۸ خودرو را به خوانده فروخته‌ام که بعد از فروش می‌بایست برابر مقررات به مرکز تعویض پلاک مراجعه و پلاک مذکور را تعویض نماید در حال حاضر از این مقررات خودداری و تخلف نموده است و کماکان با پلاک اختصاصی اینجانب در حال تردد می‌باشد خواستار صدور حکم شایسته دائر بر الزام خوانده مبنی بر استرداد و فک پلاک و خسارت وارده را دارم خوانده با ابلاغ وقت از طریق نشر آگهی در روزنامه اطلاعات که وقت رسیدگی را روز شنبه مورخ ۹۵/۸/۱ ساعت ۸/۳۰ صبح تعیین گردیده حضور ندارد لایحه‌ای ارسال ننموده است لذا شورا با توجه به محتویات پرونده مستندا به مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون مدنی حکم بر محکومیت خوانده به فک و استرداد پلاک خودرو پراید به شماره انتظامی ۵۷۴ج۴۶ ایران۱۸ و همچنین پرداخت مبلغ نهصدوسی‌وپنج هزار ریال بابت هزینه دادرسی در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیابی و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شورا و پس از آن ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در دادگاه‌های عمومی حقوقی همدان می‌باشد.

قاضی حوزه ۱۱۲ شورای حل اختلاف شهر همدان - شمس‌اله یادگاری

مالف ۳۸۶۳

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان لردگان

نظر به دستور مواد یک و سه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه قانون فوق‌الذکر املاکی که در هیئت قانون مذکور مستقر در اداره ثبت اسناد واملاک لردگان مورد رسیدگی قرار گرفت و رای آن صادر گردید ، جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد

املاک واقع در قریه لردگان به شماره پلاک ثبتی یک اصلی جانکی بخش ده ثبتی و فرعی‌های زیر

۵۷۲۷ – فرعی آقای برفاله خلیلی مقدم فرزند محمدعلی ششدانگ یکدهنه مغازه به مساحت ۵۸/۱۷ متر مربع مجزی از ۶۷۱ فرعی واقع درلردگان – خیابان عشایر خریداری شده معالواسطه از آقای غلامرضا اردشیری

۵۹۵۲ – فرعی آقای نجفعلی جوادیان فرزند غلامحسین نسبت به ۴ سهم مشاع از ۱۴ سهم ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۲۶/۵۵ متر مربع مجزی از ۶۷۵ فرعی واقع در لردگان خیابان کاشانی خریداری شده معالواسطه از مامرخ سلطان و قدسیه و شرف‌تاج و ایران‌تاج شارق بروجنی

۶۱۴۳ – فرعی آقای علی اردشیری لردجانی فرزند مرتضی نسبت به ۴ سهم مشاع از ۱۴ سهم ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۶۵/۷۱ متر مربع مجزی از ۶۷۵ فرعی واقع درلردگان - پشت اورژانس قدیم خریداری شده معالواسطه از مامرخ سلطان و قدسیه و شرف‌تاج و ایران‌تاج شارق بروجنی

۶۱۷۵ – فرعی آقای فیروز حسین پوری فرزند محمدعلی ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۳۷/۴۷ متر مربع مجزی از ۶۵۱ فرعی واقع درلردگان – بلوار رسالت خریداری شده معالواسطه از آقای احمد نادری

۶۲۴۹ – فرعی آقای رسول کریمی فرزند عزیزاله ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۳۹/۰۲ متر مربع مجزی از ۶۵۱ فرعی واقع درلردگان – بلوار رسالت خریداری شده معالواسطه از آقای الهرحم نادری

۶۵۴۱ – فرعی آقای خدانظر حسنی فرزند کرمعلی ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۴۶/۵۵ متر مربع مجزی از ۶۵۱ فرعی واقع درلردگان بلوار رسالت خریداری شده معالواسطه از خانم زینب محمودی

۶۵۴۳ – فرعی آقای علیرضا حسنی ساطحی فرزند عبدالرضا ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۳۴۰/۲۹ متر مربع مجزی از ۶۵۱ فرعی واقع درلردگان – بلوار رسالت خریداری شده معالواسطه از آقای امیرقلی نادری

۶۸۳۲ – فرعی آقای محمدولی نوروزی مصیر فرزند شمسعلی نسبت به ۶۷/۵ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۶۴/۴۹ متر مربع مجزی از ۶۵۸ فرعی واقع در لردگان – طرح سپاه خریداری شده معالواسطه از آقای جمعه کاظمی

۶۸۸۷ – فرعی آقای علیرضا حسنی فرزند علی ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۳۸/۲۴ متر مربع مجزی از ۶۵۱ فرعی واقع درلردگان – بلوار رسالت خریداری شده مع الواسطه از آقایان درویش و فریبرز و احمد نادری

۷۰۹۰ – فرعی آقای محمدرشید جلیل پیران فرزند محمد نسبت به ۴ سهم مشاع از ۱۴ سهم ششدانگ یکباب گاراژ به مساحت ۹۴۲/۰۷ متر مربع مجزی از ۶۹۴ فرعی واقع درلردگان – بلوار شهید کلانتری - روبروی اداره راه و شهرسازی خریداری شده معالواسطه از آقایان سعید اردشیری و شفیع امیری

۷۴۱۴ – فرعی آقای روح‌الله کریمی ناغونی فرزند علی‌خون نسبت به یک ونیم دانگ مشاع از ششدانگ یکباب کارگاه تیرچه بلوک به مساحت ۳۵۸/۸۶ متر مربع مجزی از ۶۶۶ فرعی واقع درلردگان - جنب دانشگاه علمی کاربردی خریداری شده معالواسطه از آقای حبیب‌الله اردشیری

۷۵۳۲ – فرعی آقای حسین نادری لردجانی فرزند فیض‌الله ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۸۸/۳۳ متر مربع مجزی از ۶۶۲ فرعی واقع در لردگان- طرح سپاه خریداری شده معالواسطه از آقای رستم اردشیری

۷۵۳۶ – فرعی آقای هدایت‌اله موسوی‌فر فرزند سید شریف ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۳۰۱/۴۷ متر مربع مجزی از ۶۶۲ فرعی واقع در لردگان – طرح سپاه خریداری شده معالواسطه از آقای عباسقلی اردشیری

۷۵۴۵ – فرعی آقای سلیمان قسمتی فرزند بارونی ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۸۸/۳۵ متر مربع مجزی از ۶۷۶ فرعی واقع درلردگان- خیابان ولیعصر(عج) - خیابان گلزار شهداء خریداری شده معالواسطه از آقای سیدجمال محمودی

۷۶۱۲ – فرعی مسجد اعظم امام حسین(ع) ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۵۶۹/۶۳ متر مربع مجزی از ۵۵ فرعی باقیمانده واقع در لردگان- خیابان چشمه برم خریداری شده بلاواسطه از آقای ظهراب شاهین‌پور

۷۶۲۲ – فرعی آقای احسان سهرابی شیخویسی فرزند محمد نسبت به ۶۷/۵ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۷۵ متر مربع مجزی از ۶۵۸ فرعی واقع درلردگان- طرح سپاه- فاز ۴ خریداری شده معالواسطه از آقایان کاظمی، اردشیری و نادری

۷۶۲۴ – فرعی آقای قنبر نظری فرزند ابوالحسن نسبت به ۵۴ حبه مشاع از ۷۲ حبه ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۹۷/۴۶ متر مربع مجزی از ۶۶۳ فرعی واقع درلردگان- بلوار شهداء - میدان آزادگان خریداری شده معالواسطه از خانم‌ها ماهرخ و فرخ اردشیری

۷۶۳۰ – فرعی خانم کشور محمدی ارمندی فرزند علی‌یار نسبت به ۲ سهم و آقای خیبر غریبی فرزند بختیار نسبت به ۴ سهم مشاع از ۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۲۴/۳۸ متر مربع مجزی از ۶۶۶ فرعی واقع در لردگان زمین شهری خریداری شده معالواسطه از آقای جمال‌الدین محمودی

۷۶۳۲ – فرعی آقای سیدخالد حسینی فرزند سیدنصرت‌اله نسبت به ۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۹۳/۳۲ متر مربع مجزی از ۶۶۶ فرعی واقع در لردگان زمین شهری خریداری شده معالواسطه از آقای حبیب‌الله اردشیری

۸۰۲۴ – فرعی آقای حبیب‌اله کیانی فرزند امیرحسین ششدانگ یکباب خانه به مساحت۲۸۸/۵۶متر مربع مجزی از ۶۶۲ فرعی واقع درلردگان- طرح سپاه خریداری شده معالواسطه از آقای نصرت‌الله شفیعی

۸۱۰۳ – فرعی آقای سعید مختاری فرزند علی مراد ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۳۰۲/۳۴ مترمربع مجزی از ۶۶۵ فرعی واقع در لردگان- زمین شهری خریداری شده معالواسطه از آقای عبده محمد محمودی

۸۴۱۹– فرعی آقای غضنفر موسوی‌فرد باجگیرانی فرزند مظفر نسبت به ۵۴ حبه مشاع از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۳۹/۲۸ متر مربع مجزی از ۶۶۳ فرعی واقع در لردگان - طرح سپاه خریداری شده معالواسطه از آقای علی سینا اردشیری

۸۴۶۲ – فرعی آقای هیبت‌اله پورک فرزند حسن نسبت به ۱/۵ دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۶۵/۵۴ متر مربع مجزی از ۶۶۶ فرعی واقع در لردگان بلوار شهدا خریداری شده معالواسطه از آقای جمال محمودی

ابنیه واملاک واقع در اراضی مزروعه پابلندی پلاک ۴- اصلی جانکی و فرعی زیر

۱۱۰۵ – فرعی آقای سید عابدین حسینی فرزند سید حسین نسبت به ۹۴ و هفتاد و نه یکصد و بیستم سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یکباب ساختمان دامداری به مساحت ۴۰۰۰ متر مربع مجزی از پلاک ۶۱ فرعی واقع در اراضی مزرعه پابلندی خریداری شده بلاواسطه از سیداله مرادی حسینی کینکی

ابنیه و املاک واقع در اراضی مزرعه دیمکار جمال پلاک ۹۲ - اصلی جانکی و فرعی‌های زیر

۲۰ – فرعی آقایان لطفعلی، فرزاد، آیت، عدالت و فرهاد شهرتین همگی میرزائی فرزندان علی نسبت به ۵۶ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی (بالسویه و الاشاعه) به مساحت ۴۲۸۱۸/۸۷ متر مربع واقع در اراضی مزرعه دیمکار جمال که نامبردگان از مالکین رسمی می‌باشند.

ابنیه و املاک واقع در اراضی قریه زائو پلاک ۲۴- اصلی خانمیرزا و فرعی زیر

۵۱۳- فرعی آقایان علیقلی، حیاتقلی، حسینقلی و خداقلی شهرتین همگی کریمیان فرزندان مرید ششدانگ یکقطعه ملک مزروعی (بالسویه و الاشاعه) به مساحت ۷۰۰۴۹/۹۲ متر مربع واقع در خانمیرزا اراضی قریه زائو خریداری شده بلاواسطه از ملک جمشید محبوبی

ابنیه و املاک واقع در اراضی قریه سینی پلاک ۲۷- اصلی خانمیرزا و فرعی زیر

۸۷۹- فرعی آقایان علیقلی، حیاتقلی، حسینقلی و خداقلی شهرتین همگی کریمیان فرزندان مرید ششدانگ یکقطعه ملک مزروعی (بالسویه و الاشاعه) به مساحت ۲۰۳۹۱۰/۶۵ متر مربع واقع در خانمیرزا اراضی قریه سینی خریداری شده بلاواسطه از ملک جمشید محبوبی

ابنیه و املاک واقع در اراضی قریه بابامنصور به شماره پلاک ثبتی ۷۵ - اصلی خانمیرزا بخش ده ثبتی

۵۳ – فرعی آقای مرتضی منصوری فرزند ابراهیم ششدانگ یکباب ساختمان گاوداری به مساحت ۴۰۰۰/۵۰ متر مربع واقع در اراضی قریه بابامنصور که نامبرده از مالکین رسمی می‌باشد.

به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی، این آگهی نسبت به املاک فوق‌الذکر در دو نوبت به فاصله پانزده روز از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار و محلی آگهی می‌گردد در صورتیکه اشخاص ذی‌نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی در شهرها، و در روستاها از تاریخ الصاق در محل، تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک لردگان تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک لردگان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است.درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت محل باید مبادرت به صدور سند مالکیت نماید. صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۵/ ۸/ ۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۸/۲۸

آرمان سعیدی
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک لردگان

اطلاعیه

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان لردگان آمادگی کامل دارد تا نسبت به تعویض اسناد مالکیت دفترچه‌ای و صدور سند تک برگی (کاداستر) برای تمامی مردم محترم این شهرستان اقدام کند.

اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان لردگان